

سفره ای بنام تسهیلات که بانک ها برای کارکنانشان پهن کرده اند

حاتم بخشی بانکها به کارکنانشان وقتی آزاردهنده تر می شود که بدانیم بسیاری از این بانک ها زیان ده هستند و درعین ضرر برای کارمندانشان از جیب مردم دست به جیب می شوند وگرنه کیست که نداند بانک منابعش را از گردش مالی پول های مردم تامین می کند.

به گزارش خبرنگاران گروه اقتصاد گزارش خبر، حاتم بخشی بانک ها به کارکنانشان وقتی آزاردهنده تر می شود که بدانیم بسیاری از این بانکها زیان ده هستند و درعین ضرر برای کارمندانشان از جیب مردم دست به جیب می شوند وگرنه کیست که نداند بانک منابعش را از گردش مالی پولهای مردم تامین می کند.

مسعود مجاوری در عصر ایران نوشت: رییس کانون بانک های خصوصی کشور در حالی اعلام می کند که کمتر از ۲ درصد تسهیلات قرض الحسنه بانکها به کارمندان و شاغلان این صنعت پرداخت شده، (خبرگزاری ایپنا ۱۷ مرداد ۱۴۰۲) که واقعیت موجود در کف بازارهای مالی کشورمان تردیدهای جدی در مورد گفته های او به وجود آورده است. به واقع "کورش پرویزیان" برای چندمین بار و در دفاع از وضع موجود اقدام به توجیه عملکرد ناصواب بانکها برای پرداخت تسهیلات ویژه به کارکنانشان کرده است.

سال ۴۰۲ کل تسهیلات تکلیفی بانک ها ۳۱۰ هزار میلیارد تومان بود ضمنا سال ۴۰۱ مجموعاً ۹۰ همت انواع تسهیلات بانکی به مردم اعطا شد که در سرفصلهای خرید خودرو، جعاله، خرید کالا، ودیعه مسکن، فرزندآوری و... اما از مجموع ۱۴ بانک خصوصی کشور جمعا مبلغ ۲۱۵ همت (هزار میلیارد تومان) به مردم تسهیلات پرداخت کردند. مغلطه آماری رییس کانون صنفی بانکهای خصوصی کشور دقیقا از همینجا شروع می شود.

نخست اینکه تعداد شاغلین بانکهای خصوصی کشور حدود ۴۰ هزار نفر است (عمر بانکداری خصوصی هنوز قد به بازنشستگی نیروهایش نمی دهد) اگر واقعا همانطور که کورش پرویزیان گفته کارکنان بانکها حداکثر ۲ درصد مانده صندوق بانکها را بعنوان "تسهیلات ویژه" دریافت کرده اند باید مبلغ ۴ هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان به کارکنان بانکهای خصوصی تسهیلات پرداخت شده باشد زیرا خصوصیا به گفته وی ۲۱۵ همت تسهیلات خرد تکلیفی پرداخت کردند حالا آیا عدد ۲٪ ادعایی پرویزیان همین است یا اینکه وی ۲ درصد را از تقسیم کل ۹۰ همت تسهیلات پرداختی به مردم توسط بانکهای یعنی ۱۸ هزار میلیارد تومان به دست آورده است. در واقع این ۲٪ شامل سرجمع وام های پرداختی به کارکنان بانکهای دولتی و خصوصی است یا اینکه عدد دریافتی کارکنان دولتی و خصوصی متفاوت است؟

نکته دیگر مربوط به وثایق ماخوذه از کارکنان بانکهاست. دقیقا مبلغ وجه التزام و وثایق اخذ شده از کارمندان بانکها با شرایط مردم عادی آیا یکی است؟ چطور می شود که در شبکه بانکی نمی توان کارمندی یافت که پس از ده سال اشتغال "حداقل" یک آپارتمان متوسط (حدود ۱۰۰ متر) در یک محله متوسط بالا ویک اتومبیل نسبتا خوب (مثلا ساندرو) نداشته باشد اتفاقی که درجهاد کشاورزی آموزش و پرورش بهداشت و درمان و... محال است بیفتد اما در همین شبکه بانکی کارمندی هستند با سابقه اشتغال کمتر از ۱۵ سال که طبقه اجتماعیشان به لطف الطاف بانکی کاملا جابجا شده است و به فکر سرمایه گذاری و خرید چهارمین منزلشان (به عنوان کالای سرمایه ای ونه مصرفی) هستند.

جالب است بدانیم که تسهیلات خرید مسکن و خودروی بانک ها به کارکنانشان جدای از تسهیلات مرسوم خرید مسکن "بانک مسکن" و خرید خودرو است که به ما مردم عادی می دهند. یعنی کارمند بانک هم از بانک متبوعش وام مسکن میگیرد و هم از بانک مسکن! در واقع بانک ها با شیوه ی اعطای تسهیلات به کارکنانشان طبقه نوکیسه ای از برخورداران اجتماعی را شکل داده اند که تبدیل به سربازانی گوش به فرمان برای نظام بانکی شدند زیرا زندگی جدیدشان را مدیون بانک هستند.

از حمایت های بیمه ای و صندوق های بیمه (تامین اجتماعی بانک) حرفی نمی زنم که خود حکایتی دیگر دارد امیدوارم شبکه بانکی و شخص پرویزیان به این سؤال پاسخ دهند که اگر واقعا کارمندان بانک "فقط" از تسهیلات بانکی ۸۵۰ میلیون تومانی قرض الحسنه (با ضمانت کسر از حقوق خودکارمند) برای خرید مسکن در تهران بهره مند می شوند پس چطور می توانند بخشی از نیاز کاذب ایجاد شده در بازار مسکن تهران وکل کشور را به خود اختصاص دهند؟

"عمده" کارمندان بانک ونه همه شان، مبالغ دریافتی را صرف سرمایه گذاری در بازار مسکن می کنند تا سرمایه شان را حفظ کنند به گونه ای که اگر فقط بخشی از تسهیلات پرداختی به کارکنان بانک به روز شود (یعنی بانک اراده به بازپس گیری اش کند) در آنصورت حجم زیادی از آپارتمانهای اضافه بر نیاز واقعی کارکنان بانک که بعنوان کالای سرمایه ای خریداری شده است به شبکه توزیع وارد می شود و دستکم بخشی ونه لزوما همه-قیمتهای کاذب و حبابی در بازار مسکن تعدیل خواهد شد.

حاتم بخشی بانکها به کارکنانشان وقتی آزاردهنده تر می شود که بدانیم بسیاری از این بانکها زیان ده هستند و درعین ضرر برای کارمندانشان از جیب مردم دست به جیب می شوند وگرنه کیست که نداند بانک منابعش را از گردش مالی پولهای مردم تامین می کند.

مساله پیگیری خرید مسکن توسط کارکنان بانک ها کارزیاد سختی نیست بصورت رندوم میتوان تعدادی از کارکنان بانکها مثلا دویانک " ... و ... " را

انتخاب کرد که اتفاقاً بانک‌های تخصصی هستند و از منابع سرشار دولتی هم بهره‌مند می‌شوند، با یک استعمال ساده از ثبت اسناد می‌توان دریافت چه املاکی توسط خود کارمند و یا نزدیکانش در چه بازه زمانی خریداری شده و زمان خرید را با تسهیلات دریافتی مطابقت داد.

البته نمی‌توان از کارمند انتظار داشت که تسهیلات دریافت نکند. هر انسانی در پی حداکثر کردن منافعش است مشکل به نظام پرداخت بانکهای کشور برمی‌گردد و بس.

در واقع مشکل اصلی به شیوه توزیع این تسهیلات و تولید نابرابری اجتماعی مربوط می‌شود و اگر بانک سود ده باشد و زیان عملکردش را با تجدید ارزیابی داراییهای ثابت در تراز مالی سالانه جبران نکند نه مشکلی پیش می‌آید و نه حرف و حدیثی به وجود.

کوروش پرویزیان بد نیست به این سؤال هم پاسخ دهد که در تراز مالی سالانه بانک‌ها، مطالبات بانک از کارکنانش دقیقاً در کدام قسمت ترازنامه ثبت می‌شود؟

آیا ثبت حسابداری آن جز "مطالبات مشکوک الوصول" است یا در حساب بستانکاری، صندوق بانک سند می‌خورد؟ و اگر صندوق بانک بستانکار است دقیقاً چقدر از این مطالبات وصول و چقدرش نکول شده است

رئیس کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی که خود مدیرعامل بانک پارسیان است؛ بهتر است به این سؤال هم پاسخ دهد که نگاه پدران بانکها به کارمندانشان چرا از قاطبه مردم دریغ می‌شود؟

وقتی بانک تسهیلات خرید مسکن با کارمزد قرض الحسنه و دوره بازپرداخت بلند مدت به کارمند خودش می‌دهد مبلغ اقساط ماهانه کارمند با توجه به افزایش حقوق سالانه همیشه کمتر از نرم حقوق و دریافتی اش خواهد بود بنابراین کارمندی که به گفته پرویزیان ۱۵ میلیون دریافتی دارد میتواند چند فقره انواع تسهیلات بانکی بگیرد و مبلغ اقساطش هم زیر ۹ میلیون در ماه باشد، باور ندارید؟!

همان دوبرانک تخصصی را که گفتم بعنوان نمونه با همان شیوه که آوردم بررسی کنید و ببینید مبلغ اقساط کارمند با وام دریافتی اش چه تناسبی دارد و همان تسهیلات و اقساط ماهانه اش را با پرونده یکی از مشتریان همان بانک قیاس نمایید.

رواج "تولید نابرابری" به معنای درست بودن این شیوه نیست. همانگونه که "کثرت" دلیلی بر "حقانیت" نیست در واقع این یادداشت در پی مذمت کارمندان بانک نیست بلکه شیوه تولید نابرابری و نقض غرض بانکها در رویکرد اقتصادی مورد نظر این یادداشت است.

بانک به لحاظ حقوقی امین و وکیل مردم در مدیریت منابعشان است آیا این شیوه توزیع و مدیریت منابع از مصادیق ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی نیست؟

امیدوارم آمار واقعی از محل منابع پرداخت شده به کارمندان بانکها وجود داشته باشد که دقیقاً از کدام ردیفهای اعتباری و به تفکیک چه مبالغی و با چه سود یا کارمزدی و چه دوره بازپرداختی به کارکنان بانکها پرداخت شده است. بازی با آمار هنر نیست، مدیری هنرمند است که میان آمارهای کاغذی اش با واقعیت کف جامعه تناسب محسوس وجود داشته باشد.